

# کودکان بدسرپرست، وامانده در تنگنای آزار

Photo: ia\_64/Bigstock.com

ماهرخ غلامحسین پور

هنوز هم وقتی به خاطر می‌آورم تنم به لرزه می‌افتد. طنین سنگین کلمات نه روی پرده گوشم که روی قلبم می‌نشیند. یکی از خبرنگاران محلی یکی از استان‌های جنوبی کشور برایم تعریف می‌کرد که پروازشان تاخیر داشت و روی صندلی‌های فرودگاه کوچک شهری دور نشسته بودند، می‌گفت: «بچه معلول بود، هم معلول ذهنی هم معلول جسمی و حرکتی، ساکن یکی از محروم‌ترین ده کوره‌های استان. هم پدر داشت و هم مادر. خانواده‌ای به‌غایت درگیر فقر، آن‌قدر که شب‌های متوالی بچه‌ها سر گرسنه زمین می‌گذاشتند و با وعده‌های دروغین پدر و مادر برای غذا خواب‌شان می‌برد. اتفاقاً هم پدر و هم مادر آدم‌هایی عاطفی بودند و هیچ‌گونه پرونده بدسرپرستی نداشتند. یک شب که از گریه متوالی بچه‌ها عاصی و درمانده می‌شوند، با هم مشورت می‌کنند، مشورتی تلخ و دردناک. کودک معلول خوابیده را می‌گذارند توی یک کارتون بزرگ و می‌کشاند تا وسط جاده، می‌گذارند در معرض عبور ماشین‌ها، با این امید که یک ماشین مدل بالا بیاید و... حتی نمی‌توانم کلماتی در خور حسم پیدا کنم. می‌خواستند با پول بیمه احتمالی جان بقیه بچه‌ها را نجات بدهند. شش بچه دیگرشان داشتند از گرسنگی می‌مردند. یک ماشین از راه می‌رسد و زیر نور ماه و از دور تلاش زن و مرد را می‌بیند. شک می‌کند. می‌ایستد حاشیه جاده. زیر نظرشان می‌گیرد و وقتی آن‌ها پشت درخت‌ها محو و پنهان می‌شوند، خودش را می‌رساند بالای کارتون در بسته و کودک را می‌برد به‌زیستی.»

«این کلمات تلخ‌ترین کلمات عمرم بودند. هنوز هم بعد از این همه سال با یادآوری لحظه‌های سربی سنگینی که آن مادر و پدر گذرانده‌اند قلبم یخ می‌زند. با یادآوری این که شاید کودک توی مرکز به‌زیستی بی‌بالد و بزرگ بشود و بفهمد ماجرا را.»

تکلیف کودکان بی‌سرپرست مشخص است. می‌شود لبه تیغ سرزنش را گرفت سمت جامعه، حقوقدان‌ها، بی‌کفایتی سازمان‌های مربوطه، بی‌توجهی اماکن حمایت‌گر کودکان یا سازمان‌های فعال غیردولتی. اما تکلیف کودکان بدسرپرست چه می‌شود؟ آن‌هایی که پدر و مادر دارند اما یتیمند؟ آیا می‌شود از والدینی که نسبت به حقوق کودکان‌شان کوتاهی می‌کنند شکایت کرد؟ قانون برای حمایت از این کودکان چه تدابیری اندیشیده است؟

موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل و پژوهش‌گر با اشاره به این که گرچه حضانت و نگهداری از کودک از حقوق والدین است اما این حق، مطلق و غیرقابل سلب نیست، به خانه امن می‌گوید: «حضانت فرزند در صورت سلب صلاحیت و شایستگی یکی از والدین، به هر دلیل، از عهده او ساقط شده و به دیگری سپرده می‌شود، اما اگر پدر و مادر، هر دو شرایط و صلاحیت نگهداری از کودک را نداشته باشند، بنا به مصلحت کودک و اجتماع، حضانت و نگهداری او به اشخاص دیگری واگذار می‌شود.»

این حقوق‌دان به نقص و ابهامات قانون در مورد حمایت از کودکان بدسرپرست اشاره می‌کند: «در قانون ایران اگر والدین، شایستگی حضانت کودک را نداشته باشند، مثلاً به شکل زیان‌آوری به الکل و مواد مخدر اعتیاد داشته یا به فساد اخلاقی شهره باشند، طفل را ضرب و جرح کنند یا از او در مسیر مشاغل ضد اخلاقی مثل تکدی‌گری سوءاستفاده کنند، یا به بیماری روانی مبتلا باشند، این وظیفه به جد پدری واگذار می‌شود. اما در صورتی که جد پدری در قید حیات نباشد یا به دلایلی صالح به نگهداری کودک نباشد، تعیین سرپرست به عهده دادگاه خواهد بود. در این صورت محکمه قضایی الزامی به سپردن کودک به اقوام و نزدیکانش ندارد اما محاکم ایران در صورتی که اقربای طفل، داوطلب نگهداری او باشند، طفل را به آن‌ها واگذار می‌کند.»

او در پاسخ به این سوال که «کدام یک از اقوام در الویت اخذ حق سرپرستی کودک بدسرپرست هستند؟» پاسخ می‌دهد: «طبق تبصره دو ماده هشت قانون تازه‌ای که در سال 1392 تصویب شده است در صورت وجود اقوام طبقه دوم سرپرستی به آن‌ها واگذار می‌شود و اگر تعداد متقاضی بیشتر از یک نفر باشد، سرپرست کودک با قید قرعه توسط دادگاه انتخاب می‌شود. اما اگر کودک بدسرپرست قوم و خویشی نداشته باشد، طبق ماده ده قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، دادگاه می‌تواند تحت نظارت سازمان به‌زیستی، مسئولیت او را به یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی کودک واگذار کند، گرچه تعیین صلاحیت درخواست‌کنندگان از جمله وظایف سازمان به‌زیستی است.»

## طبق قانون جدید، سازمان‌های غیر دولتی، حق طرح دعوا دارند

به اعتقاد برخی مدافعان حقوق کودک، شرایط کودکان بدسرپرست کمی دشوارتر از کودکان بی‌سرپرست است. چراکه نص قانون در مورد کودکان بی‌سرپرست، واضح و روشن و حمایت‌گر است، حتی اگر این حمایت به دلیل نقص سیستم‌های حمایتی در ایران چندان هم

موثر نباشد. اما کودکان بدسرپرست به ندرت شناسایی می‌شوند، آن‌ها در تاریکی و ابهام بدسرپرستی و آزار باقی می‌مانند، کودکان بسیاری هستند که علی‌رغم این‌که دارای پدر و مادر، قیم و یا به‌طور کلی سرپرستانی به ظاهر موجهند، اما عملاً به دلیل بدی یا ناتوانی عمل کرد سرپرستان‌شان در خفا، در معرض خسارت‌های جبران‌ناپذیری قرار می‌گیرند.

محمد مصطفایی، وکیل دادگستری و مدافع حقوق کودکان به این سوال که در این‌گونه موارد حقوق ایران چه تدابیری را برای حمایت از این کودکان پیش‌بینی کرده و نقاط ضعف و قوت قوانین در این موارد چیست؟ پاسخ می‌دهد: «در کشورهای اروپایی برای حمایت از کودکانی که بیم بدسرپرستی‌شان می‌رود، در خانه والدین مانتیور می‌گذارند. اما در ایران چنین روشی هنوز عملی نشده است. اما خوش‌بختانه اخیراً در رابطه با کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست شعباتی در دادگستری تشکیل شده است تا اگر کودکی در مورد مسئله سرپرستی درگیر نقص و مشکل بود، موردش در این دادگستری‌ها مورد رسیدگی قرار بگیرد. در قانون جدید ماده قانونی بسیاری خوبی وجود دارد، ماده‌ای که می‌تواند در صورت هوشیاری، شرایط بسیاری از کودکان را بهبود ببخشد. طبق این ماده انجمن‌های مدافع حقوق کودک و سازمان‌های غیردولتی اگر با مسئله کودک‌آزاری یا حتی بدسرپرستی مواجه شدند، حق طرح دعوا دارند و این مسئله در نوع خودش اتفاق خوبی است.»

او به این نکته اشاره می‌کند که «مواد قانونی برای حمایت از کودکان بدسرپرست وجود دارد. اما مشکل اساسی، مواردی مثل اجرای این قانون‌ها و ضمانت اجرایی کردن آن‌ها یا اجرای مقرراتی است که در رابطه با این قبیل کودکان وضع شده‌اند.»

به گفته این حقوق‌دان «اراده‌ایی در این مورد وجود ندارد و جای خالی دستگاه مستقلی که مدافع حقوق کودکان باشند احساس می‌شود. امکاناتی هم وجود ندارد. در کشورهای پیشرفته قسمت عظیمی از بودجه کشور به کودکان اختصاص می‌یابد. کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست بیشتر از افراد عادی مورد توجه قرار می‌گیرند و حتی اگر کودکی بدسرپرست باشد خانواده دیگری می‌تواند او را به فرزندپذیری و دولت حقوق و مستمری به آن‌ها پرداخت می‌کند.»

این وکیل دادگستری که وکالت پرونده بسیاری از کودکان محکوم به قصاص را در ایران به عهده داشته تاکید می‌کند که: «اکنون زمان آن است که سازمان‌های فعال درحوزه حقوق کودکان در این مورد عمل کرده و در پی شناسایی این کودکان باشند، بگردند و ببینند چه کودکانی سرپرستان بدی دارند و از نظر جسمی یا روحی و روانی در معرض آسیبند.»

به گفته‌ی او: «مطابق قانون جدید اگر در ایران کودکی بدسرپرست باشد این امکان وجود دارد که دادگاه برای او قیم تعیین کرده و انجمن‌های حمایت‌گر کودک می‌توانند در این مورد اقدام کنند. بر اساس قانون هیچ پدر و مادری حق وارد کردن آسیب جسمی، روحی و روانی به کودک را ندارد. قوانین وجود دارند اما اراده و امکانات کافی برای اجرای این قوانین وجود ندارد.»